

جایگاه علم و دانش اندوزی در کلام امام علی (ع) و نهج البلاغه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۳/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۹/۱۲)

هدایت تاری

کارشناسی ارشد فقه و حقوق و رئیس آموزش و پرورش ناحیه دو استان کرمانشاه

چکیده

امام علی (علیه السلام) در حکمت ۲۰۵ «نهج البلاغه» درباره اهمیت «علم و دانش» می فرماید: هر طرفی بر اثر قرار دادن چیزی در آن از وسعتش کاسته می شود؛ مگر پیمانه علم که هر قدر از دانش در آن جای گیرد وسعتش افزون می گردد! از همان ابتدا که بشر آفریده شد، شروع به یادگیری کرد. ولی روح و فکر و قوه عاقله انسان کاملاً با آن متفاوت است؛ هر قدر علوم تازه در آن قرار دهند گویی گنجایش بیشتری پیدا می کند، هر علمی سرچشمه علم دیگری می شود و هر تجربه ای تجربه دیگری با خود می آورد و به یک معنا تا بی نهایت پیش می رود و این دلیل اهمیت فوق العاده آن را می رساند و اشاره است به این که ما از فراگیری علوم هرگز خسته نشویم؛ زیرا که واقعاً خسته کننده نیست، بلکه نشاط آور و روح پرور است. هنگامی که انسان می بیند در کنار نهالی که - از یک مسئله علمی در سرزمین مغز خود - کاشته نهال های دیگری جوانه می زند و می روید و اطراف خود را زیبا می کند، قطعاً به شوق و نشاط می آید. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله قصد داریم به بررسی جایگاه علم و دانش در کلام امام علی و نهج البلاغه بپردازیم

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، دانش، علوم آموزی، امام علی (ع)، علم اندوزی، دانشمند

بخش اول: بررسی و شناخت علم و دانش در اسلام

علم و دانش در زندگی انسان دارای جایگاه ویژه ای است. نقش علم در زندگی انسان این است که راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به انسان می آموزد. علم، انسان را توانا می کند که آینده را همان گونه که می خواهد بسازد. علم مانند ابزاری در اختیار خواست انسان قرار می گیرد و طبیعت را آن چنان که انسان بخواهد و فرمان دهد می سازد. امروزه اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست، همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخار آمیز می شمارند. دین اسلام، دین دانش و آموزش برای زندگی سعادت‌مندانه دنیوی و اخروی بشر است. اهمیت علم و دانش در اسلام بقدری است که اولین کلمه ای که جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت؛ امر به خواندن بود. قرآن کریم تا آن جا به تحصیل علم و دانش اهمیت قابل شده که مسلمانان را ملزم می سازد که همه در میدان جنگ شرکت نکنند، بلکه گروهی بمانند و معارف اسلامی را بیاموزند. «و ما کان المؤمنون لینفروا کافّة فلولانفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون»، (سوره توبه، آیه ۱۲۲) شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی جهاد) کوچ کنند چرا از هر گروهی طایفه‌ای از آنان کوچ نمی کنند و (طایفه‌ای بماند) تا در دین (و احکام و معارف اسلام) آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را انداز نمایند تا از (مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیروانش را به فراگیری علم و دانش تشویق می کرد. کودکان اصحابش را وادار کرد که سواد بیاموزند. برخی از یارانش را فرمان داد زبان سریانی بیاموزند. این تأکید و تشویق ها در باره علم سبب شد که مسلمانان با همت و سرعت بی نظیری به جست و جوی علم در همه‌ی جهان پرداختند.

آثار علمی را هر کجا یافتند به دست آوردند و ترجمه کردند و خود به تحقیق پرداخته و از این راه علاوه بر این که حلقه‌ی ارتباطی شدند میان تمدن‌های قدیم یونانی و رومی و ایرانی و مصری و هندی و غیره، و تمدن جدید اروپایی، خود یکی از شکوهمندترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های تاریخ بشریت را آفریدند که به نام تمدن و فرهنگ اسلامی شناخته شده است. هنرمندان، صنعت گران، فیلسوفان و... نقش به سزایی در رشد، پیشرفت و تکامل دانش‌ها و پزشکی و غیره ایفا کردند (نجفی، ۱۳۸۸: ۲۴۹). آیه های قرآن کریم و صدها حدیث در مجموعه ارزشمند سخنان اهل بیت

در بیان اهمیت علم، اقسام، شرایط و مسائل علم، آموزش و نیز مذمت جهل و آثار آن آمده است که با توجه به موضوع این پژوهش، علم و دانش از دیدگاه امام علی(ع) بررسی می شود.

بخش دوم: علم و دانش در کلام و رفتار امام علی(ع)

با مراجعه دقیق به نهج البلاغه درمی یابیم که امام علی(ع) به هر دو قسم از شناخت صریحا و تلویحا اشاره نموده است. وجود واژه هایی هم چون «تعقل، تفکر، يستدل، يحتج، النظر و...» دلالت بر شناختی به نام شناخت حصولی می کند که معلوم عین علم نیست، بلکه علم و معلوم دو حقیقت هستند. حضرت(ع) می فرماید: «وَأَقَامَ مِنْ شَوَاهِدِ الْبَيِّنَاتِ عَلَى لَطِيفِ صُنْعِهِ وَ عَظِيمِ قُدْرَتِهِ مَا انْقَادَتْ لَهُ الْعُقُولُ مُعْتَرِفَةً بِهِ وَ نُمُونَهُ هَائِلَةً مِنْ لَطَافِ صُنْعِ غَرِي وَ قُدْرَتِ عَظِيمِ خَوِيش بِهِ پاداشت، چندان که تمام اندیشه ها را به اعتراف واداشته است» (انصاریان، ۱۳۸۶: ۳۷۱).^۱ هم چنین در مورد علم حضوری، اعم از علم حضوری مجرد به خود و علم علت به معلول و علم معلول به علت موارد متعددی وجود دارد. به عنوان نمونه امام علی(ع) در مورد علم حضوری مجرد به خود می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَأَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْهُمْ» «خدایا، تو به من از من داناتری و من به خود از آن ها داناتر هستم»

همچنین در مورد علم حضوری علت به معلول می فرماید: «أَلْعَالِمِ بِلَا اكْتِسَابٍ وَلَا ازْدِيَادٍ وَلَا عِلْمِ مُسْتَفَادٍ» خداوند به همه چیز دانا است، بدون آموختن از دیگری و بدون احتیاج به افزودن و بدون استناد^۲ (انصاریان، ۱۳۸۶: ۴۶۷) یعنی علم خداوند به ماسوای خود یک علم اکتسابی مفهومی نیست، بلکه علم او عین ذات او و بدون ازدیاد مفهومی می باشد.

هم چنین در مورد علم معلول به علت در نهج البلاغه آمده است که ذعلب یمانی از امام علی(ع) سؤال کرد: «هَلْ رَأَيْتَ رَبَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟» امام(ع) فرمودند: «چشم ها او را درک نمی کند، لکن دل ها به وسیله حقایق ایمان او را درک می نمایند» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۲۱).

حضرت محمد(ص) که علم بیشتری از جانب خداوند به او افاضه شده و برابر نص صریح [قرآن](#) کریم که فرماید: «علمه شدید القوی».^۳ آن حضرت به مز وجود و اسرار کائنات بیش از هر کسی

^۱ - خطبه ۱۶۴

^۲ - خطبه ۲۰۴

^۳ - سوره نجم آیه ۵

آگاه بوده است. خود حضرت امیر (ع) فرمود: لقد علمنی رسول الله صلی الله علیه و آله الف باب کل باب یفتح الف باب، یعنی رسول خدا مرا هزار باب از علم یاد داد که هر بابی هزار باب دیگر باز می کند (مفید، ۱۳۸۸: ۴۳).

بخش سوم: اهمیت دانش آموزی در نگاه امام علی (ع)

در نگاه امام امیرالمومنین (ع) منشور دانش اندوزی پنج بعد اصلی دارد. این ابعاد عبارت است از:

۱. خدا محوری

هر علمی باید رنگ خدایی داشته باشد و عطر اخلاص آن، فضای دل و جامعه را آکنده سازد؛ زیرا از دانش، ضلالت خیزد و هدایت. این آسیب را باید با تقوا ترمیم کرد. امام علی (ع) لغزش و بی تقوایی دانشمند را مانند شکستن کشتی زیانبار و فاجعه آفرین می داند و می فرماید: لایزکو العلم بغیر ورع؛ بدون پرهیزگاری دانش رشد نمی کند.

خدایی بودن دانش، هم زمینه اصلاح دانشجو را فراهم می آورد و هم دیگران را سودمند می سازد. در نظر امام (ع) آثار این دانش عبارت است از: پرستش و خالص گردانیدن عمل برای خدا (آمدی، بی تا: ۷۹۸-۷۹۹).

۲. پشتکار

دانش با تن آسایی و راحت طلبی به دست نمی آید. همت، دقت و پشتکار رمز پیشرفت است. امام (ع) می فرماید:

علی المتعلم ان یدأب نفسه فی طلب العلم و لایمل من تعلمه و لایستکثر ماعلم؛ هر دانش پژوه است که خود را در طلب علم کوشا سازد و از آموختن دانش خسته نشود و دانسته های خود را زیاد نشمارد (همان: ۹۶).

لایحز العلم الا من یطیل درسه؛ دانش را به دست نمی آورد مگر کسی که مدت ها بیاموزد. (همان: ۲۷۵)

لا فقه لمن لایدیم الدرس؛ کسی که در خواندن و آموختن پی گیر نباشد، از فهم و دانش برخوردار نشود (همان: ۲۷۴). دانا کسی است که دریابد آنچه می داند در برابر آنچه نمی داند اندک است و بدین سبب خود را نادان شمارد به مدد آنچه دریافته است بر کوشش خود در جستن دانش بیفزاید، پیوسته جوینده و شیفته دانش باشد و از آن بهره گیرد (ابن شعبه، ۱۳۸۰: ۷۹).

۳. به کار بستن علم

علم با عمل، کمال به شمار می‌آید و ارزش دانش در به کار بستن آن است. ثمره العلم به؛ ثمره علم، به کار بستن آن است (آمدی، بی تا: ۱۵۹). امام دانش بدون عمل را مایه گرفتاری دانسته، علم بلا عمل کسچر بلا ثمر؛ دانشی که با عمل همراه نباشد، چون درخت بی میوه است (همان: ۲۱۸).

۴. احترام به استاد

مجلس دانش، باغ بهشت است و آموزگاران سخت کوش و دلسوز باغبانان آن شمرده می‌شوند. فروتنی در برابر استاد و احترام به وی از وظایف هر جوینده علم است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: تواضعوا لمن تعلمونه العلم؛ در برابر کسی که از او دانش می‌آموزید، فروتن باشید (مجلسی، ۱۴۰۴/۲: ۴۱).

امام (ع) بخشی از حقوق آموزگار را چنین بر می‌شمارد:

«هرگاه استاد در میان جمعی بود، بر همگان سلام کنی و به او نیز سلام گویی. روبه‌رویش بنشینی. در حضور او با دست و چشم و ابرو اشاره‌نکنی. در مخالفت با نظر وی نگویی فلانی چنین گفته است. نزد او از کسی غیبت نکنی. در مجلسش از نجوا بهره‌یزی. اگر خسته بود، درپرسش کردن اصرار نورزی. از طول مجالست با او به تنگ نیایی. زیراحکایت همنشینی با او حکایت درخت خرمایی است که انتظار می‌کشی تا از آن چیزی برایت فروافتد» (متقی، ۱۳۸۷/۱۶: ۳۱۴).

۵. همگانی شدن علم دانش

علم و دانش و تحصیل آگاهی با پیدایش زمینه‌ای که ذکر گردید صورت همگانی گرفت چون قرآن دعوت کرده بود به ایمان یعنی باور مبتی بر آگاهی و شناخت. پس هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند. مقدمه‌ی واجب واجب است. در نظام تربیتی اسلام کسب آگاهی و شناخت بر هر شخص به اندازه‌ی به عنوان مقدمه‌ی ایمان شخصی و اجتهاد به اندازه‌ی توانایی عقلی او واجب است از اینجا بود که تحصیل دانش در میان مسلمانان وجوب عینی پیدا کرد. در دین اسلام در فرهنگ قرآن، وجوب طلب علم، تحصیل و شناخت، آگاهی تفقه و تدبیر تاکید شد و به صورت تکلیف دینی و شرعی طرح گردید.

۶. فراگیری علم و دانش و تعهد

حضرت علی (ع) می فرمایند: «ایها للناس اعلموا ان کمال الدین طلب العلم و العمل به الا وان طلب العلم اوجب علیکم من طلب المال»

- ای مردمان بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و علم خود را به کار بندید. آگاه باشید تحصیل علم واجب تر است از تحصیل مال (حکیمی، ۱۳۸۸: ۹-۱۰).

در دین اسلام که آن همه از علم و دانش ستایش کرده اند و به گرمای داشت عالمان فرا خوانده اند. علمی منظور است که در هر رشته همراه باشد با خویهای پاک انسانی و فضیلت و مردمی و تعهد و مسولیت و شجاعت دینی و استقامت و پایدار، و گر نه هر دانشمند و استادی با هر فقه و اصول خوانده ای، دارای آن مقام نیست. در اسلام علم دین یک رشته معلومات و اطلاعات نیست بلکه جوهر شناختی است مرتبط با عمل و مؤدی به تکلیف و منادی تعهد و وظیفه ی پیامبرانه است. از سوی عالمان را امین پیامبران می دانند و در رده ی آنها قرار دارند. عالمان همان امانت دار هدایت و تربیت و علم و آگاهی را که پیامبران عهده دار ادای آن بودند باید ادا کند. دیگر اینکه عالم به محض تمایل به مادیات و منافع قدرت از مقام خود سقوط می کند. دوستی دنیا به عنوان علاقه های ویژه: علاقه به مال دنیا، به مقام و ریاست، ... علاقه ای که این امور را در نظر انسان از تکلیف و تعهد گرمای تر سازد، این علاقه با تعهد مخالف و متضاد است. در نظام اسلام علم بی عمل و عالم غیر عامل و غیر متعهد مردود است. همواره مردم را از این گونه افراد بر حذر داشته اند. (حکیمی، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۰)

بخش چهارم: دنیا طلبی در دیدگاه امام علی(ع)

امام علی(ع) بیانات بسیار زیاد و عجیبی در مذمت دنیا دارند. در نهج البلاغه آن قدر در مورد مذمت دنیا سخن گفته شده که اگر کسی بگوید اصلاً نهج البلاغه کتاب مذمت دنیا است، چندان حرف غریبی نگفته است. گاهی در خطبه ای چند صفحه ای، از اول تا آخر در نکوهش و مذمت دنیا سخن گفته شده است. شاید کمتر خطبه ای را بتوان یافت که امیرالمؤمنین (ع) درباره مذمت دنیا چیزی در آن نفرموده باشند: فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالَةِ الْقَرْظِ وَ قُرَاضَةِ الْجَلَمِ پس باید

دنیا در نظر شما کوچک تر باشد از تفاله برگ درخت سَلَم و از خرده ریزه‌ای که هنگام چیدن پشم گوسفند بر زمین می‌افتد. در جایی دیگر می‌فرماید: *أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوَضًا؟* آیا در عوض زندگانی آخرت به زندگی دنیا راضی شده اید.

شاید یکی از عجیب ترین کلمات امیرالمؤمنین (ع) در مذمت دنیا، این جمله باشد که می‌فرمایند: *وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِی عَيْنِي مِنْ عِرَاقِ خَنْزِيرٍ فِی يَدٍ مَجْذُومٍ؛* به خدا سوگند این دنیای شما در چشم من خوارتر و پست تر است از استخوان خوکی که در دست انسانی مبتلا به جذام باشد حتی مردار حیوان های حلال گوشت هم قابل تحمل نیست، چه رسد به خوک که حرام گوشت است و زنده آن هم نفرت انگیز است. از آن سو نیز انسانی که مبتلا به مرض جذام می‌شود چهره‌اش به حدی کریه و زشت و وحشتناک می‌شود که انسان هیچ مایل نیست به صورت و دست های او نگاه کند. حال تصور کنید استخوان خوکی مرده در دست فردی جذامی باشد؛ آیا کوچک ترین رغبتی و سرسوزنی، میلی در شما نسبت به آن به وجود می‌آید. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید بی رغبتی و بی میلی من نسبت به این دنیایی که شما با حرص و ولع تمام برای رسیدن به آن خیز برداشته اید، از بی رغبتی شما نسبت به استخوان خوک مرده در دست انسان جذامی کمتر است این نهایت نفرت و انزجاری است که می‌توان نسبت به دنیا ابراز کرد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۷۸-۱۷۹).

ایشان در جایی دیگر در مورد نحوه معامله و برخورد با دنیا کلامی دارند که در عین کوتاهی، بسیار پر معنا و روشن گراست. آن حضرت می‌فرماید: *مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ؛* کسی که به دیده عبرت به آن نگریست دنیا او را آگاه کرد و کسی که به سوی (زینت های آن) خیره شد دنیا او را نابینا گردانید. این تعبیر امام (ع) ناظر به همان تفاوت گاه آلی و ابزاری و نگاه استقلالی است که قبلاً بیان کردیم. اگر با دیده عبرت بین به دنیا نگاه کردیم، دنیا پندها و درس های فراوانی به ما خواهد داد، اما اگر در خود آن خیره شدیم و غرق در لذت ها و شهوات آن گشتیم ما را کور خواهد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

بخش پنجم: اشاره به سی حدیث در خصوص علم و دانش از کلام امام علی (ع)

در خصوص علوم و دانش از دیدگاه امام علی احادیث بسیاری موجود است که ما باید به عنوان پیروان این امام تمامی رهنمودها و احادیث را سرلوحه زندگی خویش قرار دهیم. در اینجا به ذکر ده حدیث^۱ اکتفا می نماییم.

۱. رابطه دانش و عمل

العلمُ مقرونٌ بالعمل فمن علمَ عملٍ؛ و العلم يهتفُ بالعمل فإن أجابه و ألا ارتحل عنه. دانش در کنار عمل است، پس هر کس بداند عمل می کند و علم عمل را می خواند، پس اگر اجابت کرد (علم) بماند و گرنه کوچ کند و برود.

۲. پست ترین و والاترین دانش

أَوْضَعُ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ، وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ. پست ترین دانش آن است که تنها بر سر زبان است و والاترین دانش آن است که در اعضای بدن انسان آشکار گردد.

۳. حرکت با علم

الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ، فَلْيَنْظُرْ نَاضِرًا سَائِرًا هُوَ أَمْ رَاجِعًا. آن که از روی آگاهی و علم عمل می کند، مانند رهروی است که در جاده روشن قدم برمی دارد، پس باید بنگرد که به پیش می رود یا به عقب برمی گردد.

۴. دانش بهتر از مال است

يَا كَمِيلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النِّفْقَةُ، وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ، وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بَزْوَالِهِ.

ای کمیل! دانش بهتر از مال است؛ زیرا دانش تو را حفظ می کند، در حالی که تو باید مال را حفظ کنی، مال به خرج کردن، کاهش می یابد، ولی دانش با صرف کردن افزوده می شود، و آن که ساخته مال است با زوال مال از بین می رود.

۵. آباد کردن سرزمین

^۱ برگرفته از سایت موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت به آدرس <https://ahlolbait.com>

و اکثر مُدَارسَةُ العلماء، و مناقشَةُ الحكماء، فی تثبیت ما صلح علیه امر بلادک، و اقامه ما استقام به الناس قبلک. در عهدنامه خود به مالک اشتر می فرماید: برای تقویت عواملی که اوضاع سرزمین تو (مصر) را به سامان می آورد و پیش از تو کار مردم به وسیله آن عوامل درستی و سامان می گرفت، با دانشمندان و فرزندگان بسیار به گفتگو و تبادل نظر پرداز.

۶. مردم بر سه دسته اند

الناس ثلاثة: فَعَالَمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ، وَ هَمَجٌ رَّعَاعٍ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا نَوْرَ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجِئُوا إِلَى رَكْنٍ وَثِيقٍ.

امام علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمود: مردم به سه دسته اند: عالم ربانی، آموزنده در راه نجات حق، و مردم عوام و بی سروپایی که دنبال هر صدایی می دوند و با هر یادی حرکت می کنند که نه از نور علم، بهره مندند و نه به پناهگاه محکمی تکیه زدند.

۷. ندانستن عیب نیست

لَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ، أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَ لَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ. از سفارشات امام علیه السلام: هیچ یک از شما نباید در برابر پرسش از چیزی که نمی داند شرم کند که بگوید من نمی دانم، و نباید کسی که چیزی را نمی داند شرم کند از این که آن را بیاموزد.

۸. ظرف علم

كُلٌّ وَعَاءٌ يَضِيقُ بَمَا جُعِلَ فِيهِ، أَلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ، فَانْه يَتَّسَعُ بِهِ. هر ظرفی به آنچه در او گذاشته می شود تنگ می گردد، جز ظرف علم که هر چه به آن اضافه گردد پهناور می شود.

۹. فایده علم

یا کمیل معرفة العلم دين يُدَانُ بِهِ، به يكسبُ الانسان الطاعة في حياته، و جميلَ الأحدثه بعد وفاته. ای کمیل! آشنایی با علم دینی است که انسان به آن جزا داده می شود، به وسیله دانش انسان در دوران حیاتش طاعت و بندگی خدا را بدست می آورد، و پس از مرگش ذکر خیری به جا گذارد.

۱۰. عالم بی عمل

إِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمِهِ، كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ مِنْ جَهْلِهِ، بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ اعْظَمُ، وَ

الحسرة له ألزم، و هو عند الله ألوم. عالمی که به دانش خود عمل نکند، مانند جاهل سرگردانی است که از نادانی اش بیدار نمی شود؛ بلکه حجت و برهان علیه او بزرگ تر و حسرت و اندوه او پیوسته تر است و اوست که نزد خدا از همه بیشتر سرزنش می شود.

نتیجه گیری

در نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت خداوند متعال در قرآن کریم بارها و بارها و به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر موضوعاتی مثل علم اندوزی و پیشرفت علمی و تعقل و تفکر تاکید کرده است و ۸۵۴ بار از واژه ی علم و مشتقات آن استفاده کرده است. علم و دانش دو بالی هستند که انسان می تواند با آنها تا بیکران پرواز کند. ارزش هر انسان با چگونگی به کارگیری آنها معین می شود. علم و دانش، آگاهی و معرفت او را به جایی می رسانند که حتی فرشتگان هم بدان دست نمی یابند. هر چه دانایی انسان بیشتر شود، نقش رهبری او در زندگی پر رنگ تر می شود. امیرالمومنین «علیه السلام» علم و حرکت در طریق آموزش را امری مهم و دارای ارزش و منزلت خاص دانسته و در بسیاری از سخنان گوه‌ربار و الهی خود در کتاب شریف نهج البلاغه به این مسئله اشاره نموده و همه گان را به علم آموزی دلالت و ترغیب می نمایند. حضرت علی میفرماید هر ظرفی بر اثر قرار دادن چیزی، از وسعتش کاسته می شود مگر پیمانه علم، در واقع فکر انسان ظرفی است که با قرار گرفتن علوم تازه، گنجایش آن بیشتر می شود، به فرموده پیامبر (ص) دو گروه هرگز سیر نمی شوند: طالبان عمل و طالبان دنیا. کلام امام علی (ع) که می فرماید عالم هرگز از علم سیر نمی شود و اظهار سیری نیز نمی کند. در واقع نباید از فراگیری علم خسته شد یا گمان کرد که به مرحله نهایی رسیده، لذا در اسلام زمان، مکان و مقدار کوشش در جهت تحصیل علم، نامحدود است. امروزه علم و تکنولوژی حرف اول و آخر را دنیا می زند و هر کشوری که در تولید علم و تکنولوژی پیشگام باشد، زمام همه چیز را در دست می گیرد. پیشرفت علمی یک جامعه به پویایی مردم و خواست و تلاش مردم آن جامعه وابسته است و خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه خودشان بخواهند و بنابر فرموده ی حضرت علی (ع) به «خیر» برسند. دین مقدس اسلام نیز از پیروان خود همواره می خواهد که به سوی علم و علم اندوزی بشتابند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ مدارند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد

- انصاریان، حسین، (۱۳۸۶). ترجمه‌ی نهج البلاغه. تهران: پیام آزادی.
- امامی، محمد جعفر و آشتیانی، رضا، (۱۳۷۲). ترجمه و شرح فشرده‌ای از نهج البلاغه، زیر نظر مکارم شیرازی، قم: مطبوعات هدف
- برنجکار، رضا، (۱۳۸۰). عقل و تعقل از دیدگاه امام علی(ع). فصلنامه قسبات، شماره ۱۹، صفحات ۳۴ تا ۴۴.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۳). دولت آفتاب. اندیشه‌ی سیاسی و سیره‌ی حکومتی علی(ع). تهران: ناشر دریا
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی. تهران: مرکز نشر اسراء.
- ریشه‌ری، محمد (۱۳۷۸). خرد گرایی در قرآن و حدیث. با همکاری رضا برنجکار و عبد الهادی مسعودی؛
- شروش، عبد الکریم، (۱۳۷۸). اوصاف پارسایان. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی صراط، چاپ ششم.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۸). شیعه در اسلام. به کوشش هادی خسرو شاهی، قم: بوستان کتاب.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵). مجمع البحرین و مطلع النیرین. به تحقیق احمد حسینی، تهران: مرتضوی
- فیض الاسلام، علی نقی، (۱۳۷۷). ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: انتشارات فقیه.
- قمی، عباس، (۱۳۹۰). زندگانی امیر المومنین(ع). تهران: کتاب سبز.
- کراکجی، محمد بن علی، (بی تا). کنزالفوائد. به تحقیق عبدالله نعمه، جلد ۱، قم: دار الذخایر.

- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹). الکافی. شرح و ترجمه‌ی هاشم رسولی و جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- متقی، علی بن حسام الدین، (۱۳۸۷). کنز العمال. ترجمه‌ی علی نصیری، جلد ۱۶، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار. جلد ۱، بیروت: موسسه الوفا.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۲). به سوی او. با تحقیق و پیرایش محمد مهدی نادری قمی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله).
- مفید، محمد بن محمد، (۱۳۸۸). ارشاد (سیره ائمه اطهار ع). ترجمه‌ی حسن موسوی مجاب، قم: سرور.
- نجفی، موسی، (۱۳۸۸). انقلاب مدرن و تمدن اسلامی (موج چهارم بیداری اسلامی). تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.